

بسم الله الرحمن الرحيم

شعار وحدت اگر با عمل همراه نباشد ریاکاری است

الان مردم همه دارند راجع به این مسأله فریاد می‌زنند که ما اسلام را می‌خواهیم. همه این را می‌خواهند. آقا! شما می‌گوئید نه، و می‌خواهید چه کنید؟ همه با هم مجتمع بشوید تحت یک بیرق و کلایبان را تعیین نکنید. همه به یک وکلای اسلامی که اعتقاد به مسائل دارد، آئی که ایمان دارد، آئی که اعتقاد دارد که اگر خلاف بکند، ولو در اینجا مچش گیر نکند جای دیگر مچش گیر می‌کند. امروز روزی است که کلمه وحدت برای ما فایده ندارد، عمل وحدت لازم است. من هم می‌گویم وحدت، اگر بنا شد که من مخالفت کنم با این، خوب این کلمه‌ای است دیگر، یک ریایی بیشتر نیست. فکر این مطلب را نکنید، خودتان بنشینید فکر نکنید. رفقای دیگر، آنهایی که اعتقادشان این است که می‌خواهند خدمت بکنند به کشور، با آنها تفاهم نکنید، بگوئید اگر خدمت می‌خواهید بکنید، چرا گروه گروه می‌شوید؟ همه خدمت بکنید. گروه گروه شدن معنایش این است که من می‌خواهم برای خودم بکشم، آن می‌خواهد برای خودش بکشد، اظهار وجود بکنند. آقا نمی‌توانیم در مقابل اسلام اظهار وجود بکنیم، در اشتباه هستیم. جز این معنی که یک تشتی پیدا بشود و یک اختلافانی پیدا بشود و یک - عرض می‌کنم - تأخیری نهضت را عقب بیندازد. شما خیال نکنید این پیش نمی‌رود، پیش می‌رود انشاء الله، لکن عقب می‌شود. با اختلافانی که پیدا بشود و اشخاص روشنفکر، اشخاص صاحب‌قلم، اشخاص صاحب‌اطلاع و فکر، اینها دنبالش را می‌گیرند که، قلم‌ها را برمی‌دارند، هر چه دلشان می‌خواهد می‌نویسند و موجب تشتی می‌شوند. همین هم که می‌گویند وحدت، وحدت، وحدت، همین‌ها وقتی که قلم دست‌شان می‌گیرند و مطلب می‌نویسند، یک وقت دیدیم که حمله کردند به یک مسأله‌ای از مسائلی که مردم به آن مسأله علاقه‌مند هستند، و ایجاد اختلاف می‌کنند. چرا باید اینطور باشد؟ اگر اینها واقعا راست می‌گویند که ما مملکت را می‌خواهیم و ملت را می‌خواهیم، استقلال را می‌خواهیم، چرا باید اینطور باشد که قلم‌هایشان برخلاف مسائلی است که ادعا می‌کنند. اول کلام می‌گویند که مملکت باید با هم متحد باشد، آخر کلام‌شان می‌بینید که یک کلمه‌ای گفته است که اسباب تشتی می‌شود. این اطراف دریا بود که جهات اطراف دریا را یک مرد (نمی‌دانم، حالا من که نمی‌شناسم) در مجله گفته جدا بودن زن‌ها از مردها افتضاح است. تمدن این است که پسرها و دخترها توی دریا به هم ور بروند!! این تمدن

این را
بیزق و
دانی
امروز
حدیث
تر این
خواهند
گروه
نیم، آن
بکنیم
عرض
باه الله
فاس
سواهد
نی که
سائلی
واقعا
اباید
باید با
راف
ایودن
تمدن

است؟! این تمدنی است که پنجاه سال حالی ما کردند؟! این معنی اش تمدن است؟! ...

تهی نمودن مغزهای جوانان با ایجاد مراکز فحشا

پنجاه سال به مغزهای ما تزریق کردند که تمدن عبارت از این است که چیز کردند، سینمایش بروید تمدنش عبارت از این است که آن دستگاه وقاحت، مجلاتش اینطور و روزنامه هایش اینطور، رادیو و تلویزیونش اینطور، همه اینطور بودند و ما از این ضرر دیدیم، همه مان از این ضرر دیدیم، دیدیم که زندگی ما را به هم زدند، نیروی انسانی ما را عقب زدند. نیروی انسانی، ما الان کم داریم. برای چه؟ برای اینکه پنجاه سال ما را کشیدند به مراکز فحشا، جوان های ما را کشیدند به مراکز فحشا، کشیدند به مراکزی که مغزهای آنها را تهی کردند. به آدمی که در این نحو سینماهایی که پیش بسود (حالا من نمی دانم وضعیت چه جوری است. آنوقت سینماهایی که بسود همه آن دستگاه فساد بود) دیگر یک جوانی که می رفت در آنجا، پنج روز، ده روز می رفت عادت می کرد به این، این دیگر نمی توانست جدی یک عملی بکند، این دیگر نمی توانست فکرش را متوجه بکند به اینکه نفت شما را دارند می برند و همه چیز ما را دارند، حیثیت ما را دارند می برند و ما مشغول اینکه سینما را تماشا بکنیم، ستاره سینما را. مجلاتمان اینطور، سینماهایمان اینطور، همه چیزمان اینطور شده بود و ما را اصلاً خودمان را از بین بردند که هیچ، یکی دیگر را جای ما نشاندند و مملکت ما متبدل شده بود به یک چیز دیگری. الان که در این نهضت بسیاری از قشرها آن وضع سابق شان را رها کرده اند، متوجه شدند.

این اسلام بود که شما روشنفکران را از انزوا خارج کرد

این حقوقدان ها، این روشنفکرها، این - عرض می کنم - کذاها، اینها چرا نمی آیند ملحق بشوند به همین جمعیت ها؟ و با همین ها کارشان، چرا همه دست به هم نمی دهند؟ نوشته هایشان جوری باشد که وحدت کلمه ایجاد کند، گفته هایشان جوری باشد، جمعیت هایشان اینطور باشد. چرا می روند توی مجلس - نمی دانم - و کلا و می گویند که اسلام دیگر به درد نمی خورد؟ جز این است که می خواهند فساد کنند؟ ولو یک کلمه مفتی که به یک کسی بگوید، که در کسی تاثیر نمی کند، اما خود این معنی نشان این را می دهد که این رشد نیست. الان اگر این تمیز می داد که این اسلام بود که همه شما را از خارج کشید اینجا و حالا آزاد شدید، این اسلام بود که شما را از انزوا بیرون آورد، شما همه توسری خور سازمان امنیت بودید، شما همه نمی توانستید اظهار وجود کنید، حالا که اسلام آمده و شما را از زاویه ها بیرون کشیده و از خارج وارد کرده در میدان عمل، حالا بر ضد همان اسلامی که همچو خدمتی برای شما کرده است، قیام کردید؟! این را باید اسمش را چی گذاشت؟ این را اسمش را می گویند تشخیص نمی دهند؟ اینقدر با اسلام بد هستند که حتی حاضرند که امریکا و شوروی بر اینها حکومت کنند و اسلام روی کار نیاید. چه جوری است وضع؟ اصلاح کنند مردم خودشان را. باید این طبقه روشنفکر و این طبقه ای که - عرض می کنم که - کار آمد هستند، خودشان را اصلاح بکنند. این

طبقه مرم زود سالم می شوند، دست نخورده اند اینها. ما هر چی داریم از این طبقه ای که ادعا می کنند که ما روشنفکریم و ما حقوق داریم و ما نمی دانم طرفدار چه هستیم و اینها، ما هر چه داریم از اینها داریم صدمه می خوریم. چرا دست بهم نمی دهند که این کار را بکنند؟ چرا جلو گیری می کنند از این سبلی که راه افتاده است و می خواهد کارها را اصلاح بکند؟ این دردهای است که هست و شماها باید در میان بکیند و دست بهم بدهید که درمان بکیند. حالا شماها که آمدید، این عمل را بکیند تا ببینیم سایرین چه می کنند. اگر من دیدم شماها کردید آنوقت...

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته